

## برخی مسایل پیرامون وظایف مبرم کنونی ما

### قسمت دوم

در رابطه به سوال دوم مطرح شده در قسمت اول این بحث ، تذکار می یابد که : اجلاس مجمع عالی حزب وطن با اعتقاد به بنیاد های اندیشه یی - سیاسی شهید دوکتور نجیب الله (اندیشه سیاسی مصالحه ملی) اسناد رهنمودی یی را مورد مباحثه و تصویب قرار میدهد که میازره فکری - سیاسی حزب را در امتداد زمانی بلند مدت ، به استقامت اجرای وظایف «گذار از فرهنگ جنگ به فرهنگ صلح» ، بمثابة هدف تعیین شده «استراتژیک» سوق داده ،افزار دستیابی به هدف مذکور را تشخیص ، شیوه ها و اشکال بکاربرد این افزار را در شرایط مشخص کنونی کشور ما - که به علل و دلایل متعدد داخلی ، منطقی و جهانی در امتداد بیش از 35 سال و هم اکنون نیز ، از فاجعه جنگ رنج میبرد - تعریف مینماید .

اندیشه سیاسی مصالحه ملی ، افزار اندیشه یی جهت دستیابی به صلح در حیات ملی و با در نظر داشت منافع ملی است . بدون درک تعریف علمی صلح ، برداشت از اندیشه سیاسی مصالحه ملی نمیتواند دقیق باشد ، با در نظر داشت تحول تاریخی مفهوم صلح و غنای کنونی این مفهوم ، صلح از دیدگاه اندیشه سیاسی مصالحه ملی : حالتیست منتج از التزام عامل آگاه و خردمند انسانی (افراد ، ساختار های سیاسی و اجتماعی و مراکز علمی و تحقیقاتی) ، به اعتدال در حل تناقض های ضروری در حال بروز میان روند های متغیر و روبه تکامل اقتصادی ، اجتماعی ، فرهنگی و سیاسی در یک کشور و یا در روابط بین المللی و همچنان در حفظ محیط زیست جوامع مختلف و بهم مرتبط بشری ، بخاطر زیست ممکن باهمی ، طی پروسه قانونمند تاریخی تغییر و تکامل اجتماعی - اقتصادی.

با در نظر داشت مفهوم صلح ، اندیشه سیاسی مصالحه ملی ، برخلاف تصورات و برداشت های عامیانه از مفهوم «مصالحه ملی» :

- از یک طرف ؛ صرف به انصراف از بکاربرد گرم افزار آتشین جنگ به وسیله طرف های جنگ (آتش بس) ، محدود نشده ، بلکه رفع علل و عوامل اجتماعی ، اقتصادی ، سیاسی و فرهنگی جنگ را در ابعاد داخلی ، منطقی و جهانی آن نیز در نظر دارد . با این توضیح که برای حل تناقضات ضرور متبازر شده در عرضه های فوق ، به احتراز از توسل به خشونت و به بکاربرد اعتدال رجحان میدهد .

با درک علمی و عمیق از علل و عوامل فوق الذکر جنگ و بنابر عمق و گسترگی این وظایف بود که شهید دوکتور نجیب الله ، به ضرورت طرح و تکوین اندیشه سیاسی مصالحه ملی بمثابة افزار اندیشه یی - سیاسی دستیابی به هدف استراتژیک گذار از فرهنگ جنگ به فرهنگ صلح ، پی برد .

- از طرف دیگر ؛ این اندیشه ، مختص به طرف های دخیل در جنگ ، که در برابر همدیگر به استعمال گرم افزار آتشین جنگ می پردازند و یا نیروی (نیروهای) حاکم بر قدرت دولتی و اپوزسیون مسلح آن ، نبوده بلکه تمام نیروهای اجتماعی و سیاسی علاقمند به صلح در عرصه ملی را نیز از لحاظ اندیشه سیاسی پوشش میدهد . بدین ملحوظ ، ادعای که مصالحه ملی صرف میتواند

سیاست نیروی (نیروهای) حاکم در قدرت دولتی باشد، برداشت عامیانه از اندیشه سیاسی مصالحه ملی و یا حد اقل برداشت ناقص و محصور مانده در محدوده سیاست هایی است که مبتنی بر این اندیشه از جانب حزب وطن در موضع حاکمیت قدرت دولتی مطرح میگردید. بدین ملحوظ لازم است توضیح گردد که اندیشه سیاسی مصالحه ملی - مانند تمامی اندیشه های سیاسی دیگر - بنیاد های فکری - سیاسی را برای نیروهای سیاسی هواخواه صلح تدارک مینماید که این نیروها با توجه به این بنیاد ها، در وضعیت موجود (وضعیت کشور و امکانات خود نیروی سیاسی برای اثرگذاری بر این وضعیت)، سیاست های جاری و دورنمایی اش را طرح نموده، شیوه های تحقق این سیاست ها را تشخیص و افزار تعمیم آنان انتخاب نمایند. بنابراین مجمع عالی حزب وطن با توجه به اندیشه سیاسی مصالحه ملی، سیاست های جدید حزب را با در نظر داشت وضعیت کنونی کشور، منطقه و جهان و محاسبه دقیق نیروها و امکانات خود و سایر نیروهای اثرگذار بر وضعیت کنونی، فورمولبندی نموده مطابق به آن مبارزه حزب و سایر هموطنان علاقمند به صلح و ترقی را، سمت داده رهبری مینماید.

- اندیشه سیاسی مصالحه ملی اندیشه رزمنده، فعال و جانبدار سیاسی است. نیروهای سیاسی معتقد به این اندیشه - از جمله حزب وطن - اهداف سیاسی تامین صلح را با در نظر داشت حفظ منافع ملی، در برابر خود قرار داده و برای دستیابی به آن فعالانه مبارزه مینمایند. این نیروها بنابر دیدگاه های فلسفی (فلسفه صلح) و ارزشهای سیاسی و اخلاقی خویش، معتقد اند که بکار برد شیوه های اعتدال در حل تناقضات اجتماعی - اقتصادی و سیاسی با قانونمدی طبیعت و جامعه - که بخشی از طبیعت است - مطابقت داشته و بهترین و یگانه راه معقول و خردورزانه محسوب میگردد. بنابراین نه تنها خود چنین روشی را بکار می گیرند، بلکه مجموع امکانات را بکار میبرند تا سایر نیروهای اجتماعی و سیاسی را به اتخاذ چنین روشی تشویق و یا در صورت ضرورت، امکاناتی را تدارک نموده و بکار گیرند که آنان را به اتخاذ چنین روشی وادار نمایند.

بدین ملحوظ مفهوم اندیشه سیاسی مصالحه ملی با برداشت عامیانه مغایرت دارد که این اندیشه را اندیشه کاملاً غیر فعال و یا هم صرفاً فعال در حدود مداخل صلح، تصور مینمایند.

- جوامع بشری بنابر قانونمدی های درونی خویش و در بستر پروسه متداوم تغییر و تکامل، ناگذیر و پیوسته دوجار تناقضات اجتماعی - اقتصادی میگردند. این حقیقت در برابر نیروهای رهبری کننده جوامع مذکور، بطور متداوم، وظیفه سوق جامعه و بکار گیری امکانات را جهت حل به موقع و قانونمند این تناقضات، قرار میدهد.

با درک حقایق فوق، نیروهای آگاه و خردورز رهبری کننده جوامع، پیوسته شیوه ها و افزاری را بکار می گیرند که ماهیت تناقضات متبارز اجتماعی - اقتصادی را به موقع تشخیص نموده، علل و عوامل بروز آنان را شناخته و برای حل بموقع و قانونمند آنان (صلح آمیز و با رعایت اصل اعتدال) اقدام می نمایند تا پروسه تکامل جامعه پیوسته و به تدریج؛ بدون برخورد با موانع، در بستر طبیعی خویش سیر نماید. اندیشه سیاسی مصالحه ملی، یگانه افزار رهنمای اندیشه یی - سیاسی است که مبارزه نیروهای خرد ورز سیاسی را در گستره مسایل ملی، به شیوه فوق استقامت می بخشد.

در افغانستان بنابر تسلط دراز مدت نظام های استبدادی و عدم اعتنای آنان جهت حل بموقع و متداوم تناقضات اجتماعی - اقتصادی، تراکم این تناقضات و عقب نگهداشتن جامعه را باعث گردیده که در نتیجه مجموع روند های درونی (اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی) جامعه و ساختارهای اجتماعی مربوط این روند ها، به بحران کشیده شدند. قانون اساسی نظام سلطنتی طی «دهه دموکراسی» (1342 - 1352 خورشیدی)، که مغایر تمایلات سلطنت، در نتیجه اوضاع جهانی،

فشار ذهنیت های ناشی از آن و رقابت های درونی سلطنت ، تصویب و نافذ گردیده بود ، با برخورد محافظه کارانه سلطنت مواجه گردید . چنین برخوردی مانع از آن شد که نیروهای سیاسی خرد ورز ملی امکان تشکل یابند ، بلکه در نتیجه محاسبات نادرست سیاست سازان سلطنتی و زد و بند آنان با برخی قدرت های مؤثر خارجی ، به عوامل ایدولوژیک شده متخاصم راست و چپ افراطی این قدرت ها ، امکان تشکل بخشیده شد و بدین طریق حضور عناصر ایدولوژیک راست و چپ متخاصم مذکور ، ساختار های سیاسی مربوطه آنان و بالوسيله اثرات حامیان خارجی شان ، در وضعیت سیاسی کشور تامین گردید که در ادامه زیانهای جبران ناپذیری را بر کشور و مردم ما تحمیل نمودند .

تضاد های درونی دستگاه فرسوده ، ناکار آمد و ناکام سلطنتی ، با سواستفاده یکی از نیروهای ایدولوژیک فوق ، باعث فروپاشی سلطنت از درون گردید که در تداوم خویش ، پیروزی کودتای نظامی ثور 1357 و به قدرت رسیدن ح . د . خ . ا (جناح چپ افراطی اپوزسیون) را در قبال داشت . رویداد اخیر ، باعث تشدید عکس العمل از قبل آغاز شده جناح راست افراطی (اخوانی های افغانستان) گردید و این عکس العمل ، آن وقت امکان گسترش یافت که از یک طرف ح . د . خ . ا . به شیوه های خشن جهت حل تناقضات متراکم اجتماعی - اقتصادی در جامعه سنتی افغانستان ، توسل جست و از جانب دیگر حامیان خارجی دو جناح جنگ به مداخلات شان ابعاد جدید بخشیدند . در نتیجه اصلاحات قطع و جنگ ایدولوژیک با خشن ترین شیوه های آن ، منجمله بکار برد پیشرفته ترین انواع جنگ افزار بوسيله جناح های ایدولوژیک متذکره و با حمایت پشتیبانان خارجی این دو جناح متخاصم و حتی با حضور علنی و اعتراف شده و یا هم علنی ولی اعتراف نشده نیروهای نظامی این حمایت کنندگان و به دفاع از منافع آنان ادامه یافت .

تحلیل و تعریف ماهیت ، علل و عوامل این جنگ و بررسی نتایج زیانبار آن بوسيله حلقهات خردورز در درون ح . د . خ . ا تحت رهبری دوکتور نجیب الله باعث طرح و شکل گیری بنیاد های اندیشه سیاسی مصالحه ملی گردید که در بستر مبارزه پر از فراز و نشیب داخل حزبی ، با عقب زدن ایدولوژی مسلط این حزب و تغییر نام آن به «حزب وطن» ، به افزار رسمی اندیشه بی - سیاسی این حزب مبدل و در پروسه هفت ساله تحقق عملی خویش غنا کسب نمود و با دخیل ساختن سازمان ملل در پروسه تمهیل آن ، این اندیشه ، به اندیشه جهانی جهت حل معضلات کشورهای جنگ زده مبدل گردید .

حقیقت وضعیت کنونی کشور ما ، مبتنی بر ادامه جنگ و استیلای فرهنگ مربوط به آن بر مجموع روند های به بنبست کشیده شده اجتماعی ، اقتصادی ، سیاسی و فرهنگی ، ساختار های ممثل این روند ها و در نتیجه اثرات ناگوار این فرهنگ بر روح و روان انسان جامعه ما ، حکم مینماید که هم اکنون نیز اندیشه سیاسی مصالحه ملی بمتابه افزار اندیشه بی - سیاسی گذار از فرهنگ جنگ به فرهنگ صلح ، یگانه افزاریست برای برون رفت کشور از بحران کنونی و سوق آن بسوی صلح ، ترقی و تمدن .